

دوره دهم تقنيه

جلسه ۰۰

صورت مشروح

# مذاكرات مجلس

بالتزام متن قوانین

یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۱۴

شماره مسلسل - ۷۲۱

قیمت اشتراك } سالانه  
داخه : ۲۰۰ ريال  
خارجه : ۱۰۰ ريال  
تک شماره : دو ريال

مجله مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۱۴ \*

## فهرست مطالب

- |  |  |
|--|--|
| ماده ۱۵۷   | (۱) تصویب صورت مجلس  |
| (۵) تقدیم لایحه ترتیب تقاعد آرتش شاهنشاهی از طرف آقای رئیس الوزراء | (۲) تصویب لایحه اجازه استقراض جهت بقیه مخارج سد سازی تبریز                     |
| (۶) تصویب يك فقره مرخصی  | (۳) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر معارف و يك فقره از طرف اداره كل فلاحه |
| (۷) موقع جلسه بعد - ختم جلسه                                       | (۴) شور اول قسمتی از لایحه اصول معاملات حقوقی از                               |

(مجلس يك ساعت و ربع قبل از ظهر برباست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس یکشنبه ۵ بهمن را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \*

خبر آن را که عین ماده واحده پیشنهادی است تقدیم می دارد.

رئیس - ماده واحده قرائت میشود.

ماده واحده - وزارت داخله مجاز است مبلغ چهار میلیون ریال برای بقیه سد سازی تبریز از بانک ملی بمدت دو سال استقراض نموده و وزارت مالیه در سال ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ سالی يك میلیون و دویست و هزار ریال که جمماً دو میلیون و چهارصد هزار ریال میشود از بودجه عمومی دولت بپردازد و سالی هشتصد هزار ریال که دوساله يك میلیون و ششصد

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری؟ (نمایندگان - خیر)

صورت مجلس تصویب شد.

### [ ۲ - تصویب لایحه اجازه استقراض

جهت بقیه مخارج سد سازی تبریز ]

خبر کمیسیون

کمیسیون بودجه با حضور آقای سیاح لایحه نمره ۲۵۲۱۶ دولت راجع به بقیه مخارج سد سازی تبریز را مطرح نموده با توضیحاتی که داده شد با لایحه مزبور موافقت اینک

\* عین مذاکرات مشروح چهلمین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\*\* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : معتمدی - منصف - ملک مدنی - انشار - زوار - هدایت  
غائبین بی اجازه - آقایان : قزوینی - دکتر احتشام - عراقی - دکتر فرز ایلیغ - میرزائی  
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر ادهم - وکلی - مسعودی خراسانی - نقابت - ناصری

هزار ریال میشود با فرع آن از اعتبارات بلدیہ تبریز مسترد شود.

رئیس - مذاکره در ماده واحده است مخالفی نیست. آقایی که موافقت دارند ورقه سفید میدهند. ( اخذ و شماره آراء بعمل آمده یکصد و نه ورقه سفید تعداد شد )

رئیس عده حاضر در موقع اعلام رأی یکصد و ده نفر با یکصد و نه رأی تصویب شد \*

[ ۳ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر معارف و یکفقره از طرف اداره کل فلاحات ]

رئیس - آقای وزیر معارف

وزیر معارف - دو فقره لایحه است که یکی راجع به تکمیل هنرستان موسیقی و تکمیل قانون دانشگاه است و یکی هم برای استخدام یکنفر استاد فرانسوی برای دانشگاه طهران که تقدیم مجلس شورای ملی میشود. یک فقره لایحه هم هست مربوط با استخدام یک نفر متخصص گیاه شناسی است از طرف اداره کل فلاحات چون آقای بیات رئیس کل فلاحات مسافرت هستند بنده از طرف ایشان تقدیم میکنم.

رئیس - ارجاع بکمیسیون میشود.

[ ۴ - شور اول قسمتی از لایحه ]

اصول محاکمات حقوقی از ماده ۱۵۷ ]

رئیس - شور اول خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع باصول محاکمات حقوقی و تجاری مطرح است مقدمه خبر قرائت میشود.

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه بمجلس شورای ملی کمیسیون قوانین عدلیه در جلسه اخیر خود بقیه مواد لایحه نمره ۳۱۷۶۷ وزارت عدلیه راجع باصول محاکمات حقوقی را از ماده ۱۵۷ مورد شور و مطالعه قرار داده با توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه نسبت بهریک از مواد پیشنهادی دادند مواد مزبور تا آخر لایحه با اصلاحاتی تصویب و اینک در تعقیب راپرت نمره ۱۳ خبر شور اول آن را تقدیم میدارم که پس از شور و تصویب مجلس شورای ملی بشور ثانی آن مبادرت گردد.

رئیس - مذاکره در کلیات است. مخالفی نیست. رأی گرفته میشود بورود در شور مواد آقاییکه موافقت دارند قیام فرمایند. ( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد. ماده ۱۵۷.

ماده ۱۵۷ - اگر مدعی علیه در جلسه محاکمه حاضر نشود اعم از اینکه در محاکمه عادی لایحه دفاعیه خود را داده یا نداده باشد محکمه بخواهش مدعی جلسه محاکمه را تجدید و با بقضیه رسیدگی کرده حکم میدهد این حکم غیابی محسوب است مگر آنکه مدعی علیه حق حضور خود را ساقط کرده باشد.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - ظاهر این ماده این است که محکمه مکلف است هر چه مدعی تقاضا کرد از تجدید جلسه و حکم غیابی آن را قبول کند ولی بنده عقیده ام این است که محکمه را باید مختار کرد چون ممکن است بعضی مواقع اوضاع و احوال

- اسامی رای دهندگان - آقاییان: معذل - تقی شیرازی - احمد مؤید قوامی - طالش - سرآت اسفندیاری - نقابت - فتوحی - دهستانی - لاریجانی - جرجانی - محیط - حیدری - آزادی - یالیزی - علی مؤید - کفانی - طباطبائی بروجردی - مسعودی - منتصم سنک - نوبخت - مقدم - مولوی - دکتر ضیاء - نائینی - ثقة الاسلامی - افشار - مرضی امین - اورنگ - شجاع - دکتر طاهری - انوشیروانی - اعتصام زاده - اقبال - نازی - وثوق - نیک پور - کودرزی - اعتبار - علوی - هزار جریبی - کمالی - احتشام زاده ایزدی - فرشی - دکتر سنک - ارکانی - دادور - طباطبائی دیبا - شاهمنک - دکتر ادهم - مشیری - خواجہ نوری - دکتر سیمی - مسعودی خراسانی - رضوی - روحی - جلائی - لبقوانی - مصباح فاطمی - رفیعی - نواب یزدی - خواجوی - صادقی - امیرنیرومند - امیر ابراهیمی - مهدوی - ابراهیمی ربکی - غلامحسین ملک - دکتر لقمان نهورای - مصدق جهانشاهی - اردبیلی - هراز - دکتر ملکزاده تربیت - موسی مرآت - حسین فاطمی - بیات ماکو - منتضدی - انجمنی - امیری - مجید ضیائی - ساسکینان - دبیرسپهرایی - شامروندی - علی وکیل - حبیبی - رهبری - زهدی - صفاری - فروزی - حمزه ناش - ملک زاده آملی - حسنعلی دولتشاهی - دکتر جوان - علوی - مؤید احمدی - پارسا - شیخ الاسلامی - پناهی - صدیق - حبشیدی - کاشف - ابراهیم سبسی - اعظم زنگنه - کبازرویان - دکتر فنی - بلاگری - محمد رضایهانی.

دلالت کند بر اینکه محکمه نخواهد رسیدگی کند به حکم غیابی و آنوقت مدعی تقاضای تجدید جلسه کرده باشد ظاهر عبارت ماده این است که محکمه مکلف است و این ترتیب به عقیده بنده صحیح نیست و نباید حقیقه محکمه را موظف و مکلف ساخت باینکه مجبور باشد که تقاضای مدعی را قبول کند محکمه را باید مختار کرد اوضاع و احوال را می بیند اگر حکم غیابی باید بدهد که میدهد و اگر نه تجدید جلسه لازم شد که میکند والا هر چه مدعی گفت مکلف باشد بکند این ترتیب بنظر بنده صحیح نیست.

وزیر عدلیه ( آقای صدر ) - برخلاف نظریه آقای دیبا عقیده بنده این است که محکمه هیچ نباید مختار باشد که بنظر خودش باشد رسیدگی بدعاوی بسته بنظر متداعیین است دعوی مربوط با آنها است و حالا که مدعی علیه حاضر نیست بنظر مدعی است میل دارد محاکمه حضوری بشود تقاضای تجدید جلسه میکند میل دارد که رسیدگی غیابی بشود تقاضای رسیدگی غیابی می کند و محکمه البته باید رسیدگی را کامل بکند اگر فرض کنیم که محکمه نتوانست بدلائل مدعی علیه رسیدگی کند آن مطلب دیگری است که در قوانین بعد هم پیش بینی شده است ولیکن در هر حال در هیچ موردی باید بدلائل مدعی هر چه که او آورده است اعم از این که نتیجه اش حکم بنفع او باشد یا ضرر او باشد رسیدگی کند چنین نیست که مدعی وقتی که تقاضای رسیدگی و حکم می کند حتماً محکمه بنفع او حکم بدهد و ممکن است واقعاً بر ضرر او حکم بدهد مطابق فهم و استنباط خودش ولی اختیار دادن به محکمه یک معایبی دارد که خوب نیست اختیار باو داده شود.

رئیس - ماده ۱۵۸ قرائت می شود:

ماده ۱۵۸ - هرگاه در روز جلسه مدعی حاضر نشود بدون آنکه حق حضور خود را ساقط کرده باشد اعم از اینکه محاکمه عادی باشد یا اختصاری محکمه بخواهش مدعی علیه به قضیه رسیدگی کرده حکم می دهد و باعرض حال مدعی را ابطال و حکم خسارت وارده بمدعی علیه را صادر میکند.

حکمی که بموجب این ماده نسبت باصل دعوی صادر

میشود غیابی است ولی حکم صادر نسبت بخسارت راجع به ابطال عرض حال حضوری محسوب است.

رئیس - آقای دیبا.

طباطبائی دیبا - بنده در کمیسیون عدلیه هم عرض کردم راجع بمدعی و مدعی علیه در کتب فقها تعریفی شده است که مدعی آن است که باصطلاح لو ترک ترک اگر ترک کرد دعوی متروک میشود اگر کسی ادعائی کرد بعد خودش حاضر شد دعوی را تعقیب نکند دعوی متروک میشود اگر کسی در محکمه رفت ادعائی کرد و بعد هم خودش حاضر نشده دعوی ترک میشود و این ماده صریحاً مخالف این اصل است و میگوید اگر نیامد دعوی تعقیب میشود و محکمه رسیدگی میکند بتقاضای مدعی علیه اینجا هم عقیده بنده این است که باید اینطور باشد که اگر مدعی نیامد دعوی با از نوبت خارج میشود یا متروک میماند به یک ترتیب صحیحی بعد هر وقت آمد ادعا کرد البته این حق برایش هست و راهش بسته نشده است هر وقت خواست میتواند بیاید ادعا کند این است که بنده با این قسمتی که عرض کردم اینماده را صحیح نمیدانم و برای مدعی و مدعی علیه و محکمه اسباب زحمت است مدعی نیامد باید دعوی متروک بماند

وزیر عدلیه - اینکه آقای دیبا میفرمایند لو ترک ترک این در مقام تعریف است فقها وقتی که میخواهند مدعی و مدعی علیه را در بعضی جاها که یک قدری مشکل است تشخیص بدهند یکی از تعریفاتش این است که مدعی کسی است که دعوایش خلاف اصل باشد یکی دیگر هم مسئله که آقای دیبا فرمودند که وقتی مدعی حاضر نشد دعوی متروک میماند ولی تعریفه مدعی باین عنوان لازمه اش این نیست که همیشه متروک بکند بعد بواسطه سقوط و یا حاضر نشدن مدعی و یا اینکه مدعی اظهار عقیده کرد به محکمه و محکمه احضار کرد بکنفر مدعی علیه را بهر حال این مدعی علیه در زحمت افتاده است و باید یعنی حق دارد که محکمه رسیدگی کند که من خلاص شوم و مانعی هم ندارد که محکمه در همان موقع رسیدگی کند و حکمی بدهد و اگر چنانچه مدعی محکوم شد آنوقت میتواند

مجدداً بیايد اعتراض بدهد و بنظامات هم لطمه نميخورد. و اگر اين طور که آقای ديبا ميفرمايند محکمه مختار باشد به اشکالاتی بر ميخورد که حالاً نميخواهم عرض کنم (صحیح است)

رئيس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - عرضي ندارم

رئيس - ماده ۱۵۹ قرائت ميشود

ماده ۱۵۹ - اگر هيچيك از متداعين در روز جلسه حاضر نشوند و حق حضور خود را هم ساقط نکرده باشند اعم از اينکه محاکمه عادی باشد يا اختصاری رسيدگی بدعوی از نوبت خارج و به آن کار رسيدگی نخواهد شد مگر به تقاضای یکی از طرفين

رئيس - ماده ۱۶۰ قرائت ميشود

ماده ۱۶۰ - هر گاه متداعين حق حضور خود را ساقط کرده و محکمه هم حضور هيچيك از آنها را برای توضيحات لازم نداند بمرض حال و لوايح طرفين رسيدگی کرده حکم ميدهد و اين حکم حضوری محسوب است در صورتیکه یکی از طرفين اسقاط حضور کرده و محکمه هم توضيحات او را لازم نداند در اين صورت نيز رسيدگی کرده حکم ميدهد ولی اين حکم نسبت بطرفی که حق حضور خود را ساقط کرده است حضوری محسوب است اگر طرفی که اسقاط حق حضور خود را کرده و محکمه توضيحات او را لازم دانسته و او را احضار کرده است حاضر نشود اگر مدعی باشد محکمه بتقاضای مدعی عليه عرضحال او را ابطال و اگر مدعی عليه باشد بتقاضای مدعی باده او رسيدگی و حکم ميدهد در صورت ابطال عرضحال محکمه بتقاضای مدعی عليه حکم خسارت وارده بر مدعی عليه را صادر مينمايد و اگر هر دو حاضر نشوند رسيدگی بدعوی از نوبت خارج خواهد شد.

رئيس - ماده ۱۶۱ قرائت ميشود

ماده ۱۶۱ - هر گاه طرف غایب قبل از صدور رأی در جلسه محاکمه حاضر شود محکمه حضور او را پذيرفته توضيحات شفاهی که لازم بداند از او ميخواهد ولی تقاضای تجديد جلسه از او پذيرفته نميشود و حکمی که بعد از آن

صادر ميشود حضوری است

رئيس - ماده ۱۶۲ قرائت ميشود

ماده ۱۶۲ - مدير دفتر بايد سواد حکم محکمه را برای ابلاغ بمحکوم عليه غایب يا وکیل او در ظرف ده روز تهيه کرده بمأمور ابلاغ تسليم نمايد.

رئيس - ماده ۱۶۳ قرائت ميشود

مبحث سوم - در اعتراض بر حکم

ماده ۱۶۳ - محکوم عليه غایب ميتواند در ظرف ده روز بر حکم غیابی اعتراض کند قبل از انقضاء مدت مزبور اجراء حکم غیابی جایز نيست مگر در موردی که محکمه قرار اجراء موقت حکم را داده باشد.

رئيس - ماده ۱۶۴ قرائت ميشود

ماده ۱۶۴ - مدت مذکوره در ماده قبل از تاريخ ابلاغ واقعی حکم غیابی يا سواد مصدق آن بمحکوم عليه غایب يا وکیل او با رعایت مسافت قانونی بين مقر محکمه و محلی که حکم بمحکوم عليه غایب ابلاغ شده است حساب می شود.

رئيس - ماده ۱۶۵ قرائت ميشود

ماده ۱۶۵ - در صورتیکه اعتراض بعد از انقضاء مدت قانونی بعمل آمده باشد عرضحال بموجب قرار محکمه رد ميشود

رئيس - ماده صد و شصت و شش

ماده ۱۶۶ - در موارد ذیل عرضحال اعتراض قبول ولی بجزريان نميافتد.

- ۱ - وقتی که وکالتنامه کسیکه بعنوان وکالت از طرف محکوم عليه غائب عرضحال اعتراض داده موجود نباشد.
- ۲ - در صورتیکه بمرضحال و مدارك مطابق تصرفه قانونی تمبر الصاق نشده باشد.

در موارد مذکوره مدير دفتر محکمه در ظرف دو روز بمرضحال دهنده تقاضای را کتباً اطلاع داده و از روز ابلاغ پنجروز با رعایت مسافت قانونی با مهلت ميدهد که تقاضای را رفع کند در صورتیکه آنرا رفع ننمود

عرضحال بموجب قرار محکمه رد ميشود. هر گاه نقص عرضحال از جهت موجود نبودن وکالتنامه در مدت مقرر بدقتر محکمه برسد عرضحال قبول خواهد شد اگر چه وکالتنامه بعد از انقضاء مدت اعتراض تنظيم شده باشد.

رئيس - ماده صد و شصت و هفت

ماده ۱۶۷ - در صورتیکه سواد های منضمه بمرضحال بعد از کافی نبوده و يا مصدق نباشد دفتر محکمه سواد های لازم را تهيه ميکند و مخارج تهيه سواد از صاحب عرضحال اعتراض گرفته ميشود.

رئيس - ماده صد و شصت و هشت :

ماده ۱۶۸ - قرار محکمه دائره رد عرضحال مستقلاً قابل استيناف است ولی قرار محکمه در باب قبول عرضحال اعتراض فقط با حکم ثانوی در اصل دعوی قابل استيناف است

رئيس - ماده صد و شصت و نه :

ماده ۱۶۹ - مدير دفتر در ظرف دو روز سوادى از عرضحال و منضمات آن برای طرف مقابل فرستاده و مشارالیه بايد در ظرف ده روز لايحه جوابيه را بفرستد اين لايحه با منضمات برای ابلاغ بطرف ارسال و در همان موقع جلسه محاکمه معين و بطرفين ابلاغ ميگردد

رئيس - ماده صد و هفتاد :

ماده ۱۷۰ - هر گاه محکوم عليه غایب بعد از اعتراض برای رسيدگی ثانوی حاضر نشد محکمه غیاباً رسيدگی کرده حکم ميدهد. اين حکم حضوری محسوب و در مدت قانونی قابل استيناف است.

رئيس - ماده صد و هفتاد و يك

ماده ۱۷۱ - در صورت قبول عرضحال اعتراض بر حکم غیابی محکمه بايد با اعتراض رسيدگی کرده حکم مجدد صادر نمايد.

رئيس - ماده صد و هفتاد و دو.

ماده ۱۷۲ - اعتراض محکوم عليه غایب اجراء موقت را توقيف نميکند مگر اينکه در اول اعتراض يا در حين محاکمه ثانوی مادام که حکم مجدد صادر نشده است محکوم-

عليه غائب توقيف اجراء موقت حکم غیابی را نخواهد باين خواهش مدعی محکمه مکلف است که بقبول يا عدم قبول در ظرف دو روز جواب بدهد.

در صورتیکه حکم مجدد محکمه بر محکوميت مدعی نسبت بتمام مدعی به يا بعضی از آن صادر شود قرار اجراء موقت نسبت بآنچه حکم بر عليه مدعی صادر شده از اعتبار ميفتد.

رئيس - آقای اورنگ

اورنگ - اين جا اصلاح عبارتی در ماده لازم است در خبر چاپی نوشته شده « محکمه مکلف است که بقول يا عدم قبول در ظرف دو روز جواب بدهد » در صورتی که اين غلط است و بايد « قبول يا عدم قبول » نوشته شود.

مؤيد احمدی (منشی) - درست است بنده هم همین طور خواندم اصلاح ميشود.

رئيس - ماده صد و هفتاد و سه

ماده ۱۷۳ - قرار هائی که مستقلاً قابل استيناف يا تمیز است در صورتیکه غیابی باشد قابل اعتراض است.

رئيس - ماده صد و هفتاد و چهار

ماده ۱۷۴ - هر گاه پس از ابلاغ حکم غیابی به محکوم عليه و انقضاء مدت اعتراض و استيناف محکوم له تا ششماه از تاريخ انقضاء مدت استيناف تقاضای صدور ورقه اجرائيه نسبت بآن نمايد و يا پس از صدور ورقه اجرائيه تا يك سال از تاريخ صدور آن اجراء آنرا تعقيب نکند حکم غیابی ملغی از اثر خواهد بود و مدعی ميتواند تجديد دعوی کند.

رئيس - رأی گرفته ميشود بورود در شور دوم آقایانی که موافقت دارند قیام فرمايند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

۵ - تقدیم لايحه ترتيب تقاعد ارتش شاهنشاهی توسط آقای رئيس الوزراء

رئيس - آقای رئيس الوزراء

رئيس الوزراء (آقای جم) لايحه ايست راجع بترتيب

# قانون

## اصول محاکمات حقوقی و تجاری

### قسمت اول

### اصول محاکمه در محاکم

### باب اول

### در کلیات

ماده ۱ - رسیدگی بکلیه دعاوی حقوقی و تجاری راجع بمحاکم عدلیه است مگر در مواردی که قانون صراحتاً استثناء کرده باشد.

ماده ۲ - هیچ محکمه نمیتواند بدعوائی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی نفع رسیدگی به دعوی را مطابق مقررات قانون تقاضا نموده باشند.

ماده ۳ - محاکم عدلیه مکلفند بدعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده حکم دهند یا فصل نمایند و در صورتی که قوانین موضوعه کشوری کامل یا صریح نبوده و یا متناقض باشد با اصلا قانونی در قضیه مطرحه وجود نداشته باشد محاکم عدلیه باید موافق روح و مفاد قوانین موضوعه و عرف و عادت مسلم قضیه را قطع و فصل نمایند.

ماده ۴ - اگر حاکم محکمه بمذکر اینکه قوانین موضوعه کشوری کامل یا صریح نیست و یا متناقض است و یا اصلا قانونی وجود ندارد از رسیدگی و فصل دعوی امتناع کند مستنکف از احقاق حق محسوب خواهد شد.

ماده ۵ - رسیدگی ماهیتی بهر دعوائی دو درجه (بدوی و استینافی) خواهد بود مگر در مواردیکه قانون استثناء کرده باشد.

ماده ۶ - بماهیت هیچ دعوائی نمی توان در درجه استینافی رسیدگی نمود مادام که در درجه بدوی در آن باب حکمی صادر نشده است مگر مواردی که در قانون استثناء شده باشد.

ماده ۷ - هیچ مقام رسمی و هیچ اداره دولتی نمیتواند حکم محکمه عدلیه را تغییر دهد و یا از اجراء آن جلوگیری کند مگر خود محکمه که حکم داده و یا محکمه بالاتر آنها در مواردیکه قانون معین میکنند.

### باب دوم

### در صلاحیت محاکم

### فصل اول - در صلاحیت ذاتی محاکم

### مبحث اول

### در صلاحیت ذاتی محاکم ابتدائی و محاکم صلح

ماده ۸ - رسیدگی بدوی به دعاوی حقوقی و تجاری راجع بمحاکم ابتدائی و محاکم صلح است جز در مواردی که قانون مرجع دیگری معین کرده باشد.

ماده ۹ - رسیدگی استینافی باحکام و قرار های قابل استیناف محاکم صلحیه راجع بمحاکم ابتدائی است.

### مبحث دوم - در صلاحیت ذاتی محاکم استینافی

ماده ۱۰ - رسیدگی استینافی باحکام و قرار های قابل استیناف محاکم ابتدائی و احکام و قرار های قابل

تقاعد ارتش شاهنشاهی مشتمل بر چهل و سه ماده تقدیم مجلس شورای ملی میشود و خواهش دارم در اسرع اوقات بگذرد. تقاضای فوریت نمیکند ولی تقاضا میکنم که زودتر بگذرد. (صحیح است)

رئیس - ارجاع بکمیسیون خواهد شد و تسریع خواهد شد در گذشتن از مجلس (صحیح است).

### [۶ - تصویب یک فقره مرخصی]

رئیس - خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بمرخصی آقای قزوینی

آقای حسن قزوینی برای اصلاح امور محلی تقاضای هشت روز مرخصی از تاریخ پنجم بهمن ۱۳۱۴ نموده اند کمیسیون عرایض پس از رسیدگی بسوابق مرخصی های گذشته ایشان

برای شش روز موافقت نموده اند اینک خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - موافقین با خبر کمیسیون عرایض قیام فرمایند (اکثر قیام کردند) تصویب شد.

### [۷ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر تصویب فرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است)

جلسه آتی روز یکشنبه نوزدهم بهمن ماه سه ساعت قبل از ظهر - دستور لوابح موجوده +

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

استیناف محاکم صلح محدود در موردیکه محاکم مز بوره بدعاوی راجعه بمحاکم بدایت رسیدگی مینمایند راجع به محاکم استیناف است

### مبحث سوم - در صلاحیت ذاتی محاکم شرع

ماده ۱۱ - امور ذیل راجع به محاکم شرع است

۱ - رسیدگی بدعاوی راجعه باصل زوجیت و فسخ و طلاق.

۲ - اجرای طلاق در مواردی که باید حاکم طلاق دهد.

۳ - نصب قیم.

۴ - حلف و احلاف در مواردیکه باید دعوی بقسم قطع و فصل شود و به ترتیبی که مطابق نظامنامه وزارت.

عدلیه معین میشود.

### فصل دوم - در صلاحیت نسبی محاکم

#### مبحث اول - در صلاحیت نسبی محاکم صلح ناحیه

ماده ۱۲ - رسیدگی بدعاوی ذیل راجع به محاکم صلح ناحیه است.

۱ - هر دعوائی که مدعی به آن بیش از دوست ریال نباشد اعم از تجاری و حقوقی باستثنای دعاوی راجعه

بمبن املاک و حقوق ارتفاقی نسبت بآنها.

۲ - کلیه دعاوی راجعه بحق مالی که مدعی به آن بیش از یکهزار ریال نباشد اعم از منقول و غیر منقول

و اعم از تجاری و حقوقی مشروط بر اینکه در مقر صلح ناحیه نه صلح محدود باشد و نه محکمه ابتدائی.

۳ - دعوی تصرف عدوانی و مزاحمت در حدود فقرات ۱ و ۲ و بارعایت سایر مقررات مربوط باین دعاوی.

۴ - هر دعوائی و تا هر میزانی که باشد در صورت تراضی طرفین.

۵ - تقاضای اصلاح نسبت بهر دعوائی و تا هر میزانی که باشد.

#### مبحث دوم - در صلاحیت نسبی محاکم صلح محدود

ماده ۱۳ - امور راجع بمحاکم صلح محدود از قرار ذیل است.

۱ - دعاوی راجع باعیان اعم از منقول و غیر منقول و دیون و منافع در صورتیکه مدعی به بیش از پنجهزار

ریال نباشد.

۲ - دعاوی راجعه بضرر و خسارت در صورتیکه مدعی به بیش از پنجهزار ریال نباشد اگرچه ضرر و خسارت

عاشی از جرم باشد.

۳ - مطالبه تخلیه بد از اعیان مرهونه و مستاجر و امثال آن مگر در صورتی که مدعی علیه مدعی مالکیت

عده و ادعای خود را بطور مستقیم یا غیر مستقیم بموجب سند مستند بانتقال از مدعی نماید که در اینصورت محکمه

صلح وقتی صلاحیت خواهد داشت که قیمت عین بیش از پنجهزار ریال نباشد.

۴ - کلیه دعاوی راجعه بحق ارتفاقی از قبیل حق العبور و حق الهجری و حق حفر چاه قنات در ملک

دیگری و امثال آن تا هر میزانی که باشد و بحق انتفاعی در صورتیکه قیمت آن زائد بر نصاب محکمه صلح نباشد.

۵ - دعوی مزاحمت در عین منقول و غیر منقول تا هر میزانی که باشد.

۶ - دعاوی تصرف عدوانی در غیر منقول تا هر میزانی که باشد مشروط بر اینکه از تاریخ سلب تصرف مدعی بیش از یکسال نگذشته باشد.

۷ - دعاوی راجع باشیائی که قیمت معین نداشته ولی دارای نوعی از اعتبار و متعلق اغراض و مقاصدی است مثل اعیان اوراق و اسناد و امثال آن.

۸ - مطالبه وفای بشروط و عهود راجعه بمعاملات و قرارداد ها اعم از اینکه در ضمن معامله و قرارداد تصریح شده یا بناء متعاملین بر آن بوده و باعادتاً و عرفاً معامله مبنی بر آن باشد مشروط بر اینکه مورد مطالبه قابل تقویم نباشد و الا نصاب صلحیه معتبر خواهد بود.

۹ - تقاضای افزاز در صورتیکه مالکیت محل نزاع نباشد و در صورتیکه مالکیت محل نزاع باشد نصاب از حیث قیمت معتبر است.

۱۰ - تقاضای تأمین و حفظ دلائل و امارات.

۱۱ - تقاضای اصلاح بین طرفین در هر دعوائی و تا هر مقداری که مدعی به باشد.

۱۲ - رسیدگی بهر دعوائی تا هر میزانی که باشد در صورت تراضی طرفین.

۱۳ - تقاضای تصدیق انحصار وراثت.

ماده ۱۴ - اگر در مقر محکمه صلحیه محدود محکمه ابتدائی نباشد محکمه صلحیه بدعاوی ذیل نیز رسیدگی خواهد نمود:

۱ - دعاوی که مدعی به آن تاده هزار ریال باشد.

۲ - نسبت باختلافات راجعه باسناد سجل احوال.

ماده ۱۵ - در هر جائی که صلح ناحیه نباشد محکمه صلح محدود بدعاوی راجعه به صلح ناحیه نیز رسیدگی خواهد کرد و در اینصورت احکام صادره در حدود صلاحیت صلح ناحیه غیر قابل استیناف و تمیز خواهد بود.

ماده ۱۶ - دعاوی ذیل بمحاکم صلح راجع نیست اگرچه مدعی به در حدود نصاب آن باشد.

۱ - دعاوی راجعه بدولت.

۲ - دعاوی راجعه باصل امتیازاتی که از طرف دولت داده میشود.

۳ - دعاوی راجعه بملائم صنعتی و اسم و علائم تجارتنی و حق التصنیف و حق اختراع و کلیه حقوق غیر مالی مثل

تولیت و نسب و وصایت.

ماده ۱۷ - تقاضای تأمین دلائل و امارات از محکمه صلحیه میشود که دلائل و امارات مورد تقاضا در حوزه

آن واقع است.

ماده ۱۸ - دعوی مزاحمت و تصرف عدوانی در صلحیه اقامه میشود که موضوع دعوی در حوزه آن واقع است.

دعوی مزاحمت عبارت است از دعوائی که بموجب آن متصرف مال با حق تقاضای جلوگیری از مزاحمت کسی

میباشد که نسبت بتصرفات او مزاحم است بدون اینکه مال را از تصرف متصرف خارج کرده باشد.

دعوی تصرف عدوانی عبارت است از دعوی متصرف سابق که دیگری بدون رضایت او مالی را از تصرف او خارج

کرده و متصرف سابق اعاده تصرف خود را نسبت بآن مال تقاضا می نماید.

## مبحث سوم - در صلاحیت نسبی محاکم ابتدائی

ماده ۱۹ - بجز آنچه که مطابق دومبحث فوق داخل در صلاحیت نسبی محاکم صلح است محاکم ابتدائی بکلیه دعای حقوقی و تجاری بطریقی که در مبحث چهارم مقرر است رسیدگی مینماید.

ماده ۲۰ - رسیدگی استینافی باحکام و قرار های محاکم صلح محدود و احکام و قرار های محاکم صلح ناحیه که قابل استیناف است در محکمه ابتدائی بعمل میآید که محاکم صلح مزبور در حوزه آن واقفند مگر در مواردی که مطابق ماده ۱۰ راجع بمحاکم استیناف است.

ماده ۲۱ - در نقاطی که محکمه صلحیه نیست محاکم ابتدائی بدعاوی نیز رسیدگی مینمایند که داخل در صلاحیت محاکم صلح است در اینصورت حکم محاکم مزبور که مدعی به آن بیش از دوست ریال نباشد قطعی و غیر قابل استیناف است و مرجع استینافی قرار هـا و احکامی که قابل استیناف است نزدیکترین محکمه ابتدائی خواهد بود مگر آنکه وزارت عدلیه محکمه ابتدائی دیگری رامین نماید

ماده ۲۲ - مرجع رسیدگی بدعاوی مربوط به اسناد سجل احوال اتباع ایران در خارج مملکت که بوسیله مأمورین مربوطه صادر شده باشد محکمه بدایت طهران است

## مبحث چهارم - در مقررات مشترکه راجعه بصلاحیت نسبی محاکم ابتدائی و محاکم صلح

ماده ۲۳ - دعاوی راجعه به محاکمی که بدایتاً رسیدگی می نمایند باید در همان محکمه اقامه شود که مدعی علیه در حوزه آن اقامتگاه دارد و اگر مدعی علیه در ایران اقامتگاه نداشته در صورتیکه در ایران محل سکونت موقتی داشته باشد در محکمه همان محل باید اقامه کرد و هرگاه در ایران نه اقامتگاه و نه محل سکونت موقتی داشته ولی در ایران مال غیر منقول دارد دعوی در محکمه ای اقامه میشود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است و هرگاه مال غیر منقول هم نداشته باشد مدعی میتواند در محکمه محل اقامت خود اقامه دعوی کند.

ماده ۲۴ - در دعاوی تجاری و همچنین در دعاوی راجع باموال منقوله که از عقود و قرارداد ناشی شده باشد مدعی میتواند بمحکمه محلی رجوع کند که عقد یا قرارداد در آنجا واقع شده و یا تمهد در آنجا باید انجام شود.

ماده ۲۵ - دعاوی راجعه بغير منقول اعم از دعوی مالکیت و سایر حقوق راجعه بآن در محکمه اقامه میشود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است اگرچه مدعی و مدعی علیه هم در آن حوزه مقیم نباشند.

ماده ۲۶ - در صورتی که مدعی به مال منقول و غیر منقول باشد مدعی می تواند در محکمه که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است و یا در محکمه محل اقامت مدعی علیه اقامه دعوی کند بشرط آنکه دعوی در هر دو قسمت ناشی از يك منشاء شده باشد.

ماده ۲۷ - هرگاه يك ادعا راجع به چند مدعی علیه باشد که در حوزه های محاکم مختلفه اقامت دارند و یا راجع بچند مال غیر منقول باشد که در حوزه های محاکم مختلفه واقع شده اند مدعی می تواند بیک از محاکم مزبور رجوع کند.

ماده ۲۸ - هر دعوی که در اثناء رسیدگی بدعوی دیگری از طرف مدعی یا مدعی علیه یا شخص ثالثی یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود و دعوی مزبور با دعوی اصلی ناشی از يك منشاء باشد و یا با دعوی اصلی ارتباط کامل داشته باشد در محکمه اقامه میشود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است مگر آنکه دعوی طاری از صلاحیت قضائی

محکمه خسارج باشد در این صورت اگر رسیدگی به دعوی اصلی متوقف به رسیدگی به دعوی طاری باشد دعوی اصلی موقوف میماند تا دعوی طاری در محکمه که صلاحیت رسیدگی به آن را دارد خاتمه پذیرد.

ماده ۲۹ - در مورد ماده فوق محکمه باید عرضحال راجع بدعوی طاری را بمحکمه صلاحیت دار بفرستد و هر گاه مدعی دعوی مزبور را در محکمه صالحه نایکماه تعقیب نکند عرضحال نسبت بدعوی طاری بلا اثر و محکمه ای که مشغول رسیدگی بدعوی اصلی بوده رسیدگی و حکم خواهد داد هر گاه دعوی اصلی در محکمه صلحیه بوده و دعوی طاری از حد نصاب صلحیه خارج باشد در اینصورت دعوی اصلی نیز باید بمحکمه ابتدائی صلاحیت دار احاله شود مگر اینکه طرفین دعوی به رسیدگی صلحیه تراضی نمایند.

ادعاء تهاجر و هر عنوانی که دفاع محسوب میشود محتاج بمرض حال جداگانه نیست.

ماده ۳۰ - هرگاه شخص ثالثی که جلب یا وارد محاکمه میشود بموجب اسناد کتبی و یا قرائن قویه ثابت نماید که دعوی فقط برای انصراف او از محکمه که قانوناً مرجع رسیدگی است اقامه شده می تواند احاله دعوی راجعه بمحکمه صلاحیت دار تقاضا نماید و در این صورت محکمه حاکمه باید تقاضای او را قبول کند.

ماده ۳۱ - دعاوی راجع بترکه متوفی در صورتی که دعوی مابین وراث باشد یا از طرف اشخاصی اقامه شود که خود را ذیهق در تمام یا قسمتی از ترکه میدانند اگر چه مدعی به دین باشد و یا راجع بوصولی متوفی مادام که ترکه تقسیم نشده است و هم چنین دعاوی الفاء یا بطلان تقسیم در محکمه محلی اقامه میشود که متوفی در آنجا اقامتگاه داشته اگر چه جزء ترکه اموال غیر منقولی باشد که در حوزه محکمه مزبور واقع نمی باشد - در مورد دعاوی بطلان تقسیم در صورتیکه تقسیم بتوسط محکمه ای غیر از محکمه محل اقامت متوفی واقع شده باشد دعوی مزبور در محکمه ای که تقسیم توسط آن بعمل آمده اقامه میشود

ماده ۳۲ - دعوی توقف اعم از اینکه از طرف خود تاجر یا از طرف طلبکارها یا از طرف مدعی الموم باشد باید در محکمه ای که اقامتگاه تاجر متوقف در حوزه آن واقع است اقامه شود و در صورتیکه تجارتخانه دارای شعب متعدده باشد و یکی از شعبات متوقف شود دعوی بر خود تاجر و در همان محکمه محل اقامت او اقامه خواهد شد.

هر گاه تاجر متوقف در ایران اقامتگاه نداشته باشد دعوی توقف در محکمه ای اقامه می شود که تجارتخانه به شعبه یا نماینده برای معاملات در حوزه آن دارد یا سابقاً داشته است.

ماده ۳۳ - دعوی راجعه بورشکستگی شرکتهای تجارتی که مرکز اصلی آن در ایران است باید در مرکز اصلی شرکت اقامه شود.

ماده ۳۴ - دعاوی مربوطه باصل شرکت و دعاوی شرکت بر شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و همچنین دعاوی اشخاص خارج بر شرکت مادام که شرکت باقی است و در صورت انحلال تاوقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است در مرکز اصلی شرکت اقامه میشود.

ماده ۳۵ - در دعوی ناشیه از تمهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج اشخاص خارج میتوانند دعاوی خود را در محلی که تمهد در آنجا واقع شده یا محلیکه مال التجاره باید تسلیم گردد یا جائیکه وجه باید پرداخته شود اقامه نمایند.

ماده ۳۶ - اگر شرکت دارای شعب متعدده در نواحی مختلفه باشد دعاوی ناشیه از تمهدات هر شعبه با اشخاص خارج باید در محکمه محلیکه شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود مگر آنکه شعبه مزبور منحل شده باشد که در اینصورت دعاوی مزبور نیز در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد.

**ماده ۳۷ -** دعوی اعسار در صورتیکه در حین رسیدگی باصل دعوی اظهار شود در محکمه ای اقامه می شود که رسیدگی باصل دعوی در آن مطرح است و در صورتیکه بعد از صدور حکم و قطعیت آن اقامه شود در محکمه ای رسیدگی می شود که حکم بدوی را صادر کرده است.

دعوی اعسار در مقابل اوراق اجرائیه ثبت اسناد در محکمه محل اقامت مدعی اعسار اقامه خواهد شد. دعوی اعسار از مخارج محاکمه در محکمه ای اقامه میشود که صلاحیت رسیدگی بدوی به اصل دعوی را دارد.

**ماده ۳۸ -** دعوی خسارت چه از بابت تأخیر تأدیه و چه از بابت مخارج عدلیه و چه از بابت حقی الرکاله و امثال آن در صورتیکه در ضمن دعوی اصلی مطالبه شده باشد در محکمه ای رسیدگی میشود که دعوی اصلی در آن مطرح شده و الا در محکمه رسیدگی میشود که دعوی در آن خاتمه یافته است.

نسبت بدعاوی که رسیدگی بآن از خصائص محکمه شرع است دعوی خسارات مذکوره در محکمه اقامه میشود که دعوی اصلی را ارجاع بشرح کرده دعوی خسارت راجع به مرحله تمیزی در محکمه اقامه میشود که از حکم آن محکمه تمیز خواسته شده و در صورت نقض بمحکمه ای راجع است که دعوی بدانجا ارجاع شده و خاتمه یافته است.

**ماده ۳۹ -** اختلافات مربوطه با اجرای احکام که از اجمال یا ابهام راجعه به حکم یا محکوم به حادث شود در محکمه ای که اصل حکم را صادر کرده رسیدگی میشود.

اختلافات ناشیه از اجرای احکام راجع به محکمه ای است که حکم بتوسط آن محکمه اجرا میشود.

**ماده ۴۰ -** با اعتراض شخص ثالث که مدعی مالکیت مالی است که موضوع حکم نبوده ولی مورد عملیات اجرائی برای اجرای حکم واقع شده در محکمه ای رسیدگی میشود که ورقه اجرائیه را صادر کرده است.

**ماده ۴۱ -** در تمام دعاوی که رسیدگی بآن از صلاحیت محاکمی است که بدایتاً رسیدگی مینمایند طرفین دعوی میتوانند تراضی کرده بمحکمه دیگری که در عرض محکمه صلاحیت دار باشد رجوع کنند.

تراضی طرفین باید بموجب سند رسمی یا اظهار آنها در نزد حاکم محکمه که میخواهند دعوی خود را با رجوع کنند بعمل آید در صورت اخیر حاکم اظهار آنها را در صورت جلسه قید و بمهر یا امضاء آنها میرساند اگر طرفین یا یکی از آنها بی سواد باشد مراتب در صورت جلسه قید میشود.

**ماده ۴۲ -** مرجع استینافی احکام استیناف صلح ناحیه در مواردی که قابل استیناف است نزدیکترین محکمه ابتدائی است مگر آنکه وزارت عدلیه بر حسب مقتضیات محکمه دیگری را معین کند.

**ماده ۴۳ -** رسیدگی استینافی باحکام و قرارهای صادره از محاکم ابتدائی در محکمه استینافی بعمل می آید که محاکم مزبوره در حوزه آن واقع میباشند.

### باب دوم

در اختلافات راجعه به صلاحیت و طریقه حل آن

فصل اول - در اختلافات راجعه به صلاحیت

**ماده ۴۴ -** تشخیص صلاحیت با عدم صلاحیت هر محکمه نسبت بدعوی که بآن رجوع شده است بمهده خود آن محکمه است.

**ماده ۴۵ -** هرگاه در موضوع يك دعوی دو محکمه عدلیه یا محکمه عدلیه و محکمه غیر عدلیه هر دو خود را صالح بدانند یا هر دو از خود نفی صلاحیت نمایند اختلاف محقق میشود و همچنین است اشتباهات حاصله از اینکه قضیه مربوط به محکمه عدلیه یا اداره دیگر دولتی است و هر دو خود را صالح بدانند یا هر دو از خود نفی صلاحیت نمایند.

### فصل دوم - در طریقه حل اختلاف

مبحث اول - در طریقه حل اختلاف بین محاکم عدلیه

**ماده ۴۶ -** اگر اختلاف بین محاکم عدلیه راجع به صلاحیت آنها بوسیله استیناف یا تمیز از قرار حل نشده باشد هر يك از متداعیین که حل اختلاف را بخواهد باید عرضحال کتبی در دو نسخه بمحکمه که مطابق مواد ذیل باید حل اختلاف نمایند تقدیم دارد.

محکمه باید بمرضحال مزبور در جلسه اداری رسیدگی نماید رسیدگی باصل دعوی تا صدور حکم راجعه بحل اختلاف توقیف خواهد شد.

**ماده ۴۷ -** هرگاه اختلاف بین دو محکمه صلاحیه باشد و هر دو صلاحیه در حوزه يك محکمه ابتدائی باشند حل اختلاف در همان محکمه ابتدائی بعمل می آید.

اگر طرفین اختلاف در حوزه يك محکمه ابتدائی نبوده ولی در حوزه يك محکمه استیناف باشند حل اختلاف بهمان محکمه استیناف رجوع می شود و اگر طرفین اختلاف در حوزه يك محکمه استیناف نباشند حل اختلاف با دیوان تمیز خواهد بود.

**ماده ۴۸ -** هرگاه اختلاف بین محکمه صلح و محکمه ابتدائی باشد حل اختلاف بمحکمه استیناف رجوع میشود که طرفین اختلاف در حوزه آن واقعند و اگر طرفین اختلاف در حوزه يك محکمه استیناف نباشند حل اختلاف با دیوان تمیز خواهد بود.

**ماده ۴۹ -** اگر اختلاف بین دو محکمه ابتدائی باشد که در حوزه يك استیناف واقعند حل اختلاف راجع بهمان محکمه استیناف است و اگر در حوزه يك محکمه استیناف نباشد حل اختلاف با دیوان تمیز است.

**ماده ۵۰ -** اگر اختلاف بین دو محکمه استیناف یا محکمه ابتدائی و استیناف باشد حل آن با دیوان تمیز خواهد بود. **ماده ۵۱ -** اگر اختلاف بین محکمه شرع و محکمه صلاحیه یا ابتدائی تولید شود حل اختلاف با محکمه استیناف است که هر دو در حوزه آن واقع است و اگر اختلاف بین محکمه شرع و محکمه استیناف واقع شود مرجع حل اختلاف دیوان تمیز است.

### مبحث دوم - در طریقه حل اختلاف

بین محاکم عدلیه و محاکم غیر عدلیه یا اداره دولتی

**ماده ۵۲ -** اگر در موضوع يك دعوی بین محکمه عدلیه و محکمه غیر عدلیه یا اداره دولتی اختلافی در صلاحیت ایجاد شود یعنی هر دو خود را صالح برای رسیدگی دانسته یا هر دو از خود نفی صلاحیت کنند حل اختلاف در دیوان عالی تمیز مطابق مواد ذیل بعمل می آید.

**ماده ۵۳ -** اشخاص ذینفع یا مدعی العموم محکمه عدلیه که طرف اختلاف است مراتب را با ذکر دلایل بمدعی العموم



دیوانعالی تمیز اعلام میکند و مدعی العموم دیوان عالی تمیز برای حل اختلاف بر رئیس اول دیوان عالی تمیز رجوع مینماید.  
**ماده ۵۴** - برای حل اختلاف در شعبه اولی دیوان تمیز مجلسی مرکب از هفت نفر ازرؤساء و مستشاران دیوان تمیز بانتخاب رئیس اول تشکیل و بمسئله مختلف فیه رسیدگی و حکم قطعی صادر مینماید.  
**ماده ۵۵** - در صورتیکه محکمه عدلیه و محکمه غیر عدلیه یا اداره دولتی هر دو خود را صالح بر ای رسیدگی دانسته باشند مدعی العموم یا شخص ذینفع که مراتب را به مدعی العموم کل اعلام نموده است باید بهر دو محکمه طرف اختلاف نیز کتباً اطلاع دهد که برای حل اختلاف بدیوان تمیز رجوع کرده است - در این صورت رسیدگی بدعوی در هر دو محکمه ناصدور حکم دیوان تمیز توقیف میشود.

## باب چهارم

## در وکلای متداعین

**ماده ۵۶** - در دعاوی که در محاکم عدلیه رسیدگی میشود متداعین میتوانند شخصاً یا بتوسط وکیل محاکم کنند.  
**ماده ۵۷** - وکلای متداعین باید دارای شرایطی باشند که بموجب قانون برای آنها مقرر است.  
**ماده ۵۸** - وکالت باید بموجب سند رسمی یا به تصدیق امین صلح یا حکومت یا شهربانی یا کلاسی یا کدخدای محل و یا یکی از ادارات رسمی که موکل در آنجا مستخدم است و یا بک یا چند نفر از معتمدین محلی باشد مگر آنکه امضاء موکل معروف نزد محکمه بوده و صدور آن از موکل محل شبهه نباشد در صورتیکه وکالت در خارج از ایران داده شده باشد باید بتصدیق یکی از مأمورین سیاسی یا قنصلی ایران رسیده باشد.  
**ماده ۵۹** - اگر وکالت در جلسه محاکم داده شود باید مراتب در صورت جلسه قید و با امضاء موکل برسد.  
**ماده ۶۰** - وکالت در محاکم شامل تمام اختیارات راجعه بامر محاکم است جز آنچه را که موکل استثناء کرده لیکن در امور ذیل اختیار وکیل باید در وکالت نامه تصریح شود.

۱ - وکالت در استیناف.

۲ - وکالت در تمیز.

۳ - وکالت در محاکمه محکمه شرع.

۴ - وکالت در مصالحه و تعیین وکیل اصلاح.

۵ - وکالت در ادعای جعلیت نسبت به سند طرف و استرداد سند.

۶ - وکالت در تعیین جاعل.

۷ - وکالت در ارجاع دعوی بحکمیت و تعیین حکم.

۸ - وکالت در تزوکیل.

۹ - وکالت در تعیین مصدق.

۱۰ - وکالت در اقرار ( مقصود اقرار در ماهیت دعوی یا بامری است که کاملاً قاطع دعوی باشد )

۱۱ - وکالت در دعوی خسارت.

۱۲ - وکالت در استرداد دعوی.

۱۳ - وکالت در جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث.

۱۴ - وکالت در دعوی متقابل و دفاع از دعوی مزبور.

**ماده ۶۱** - وکیل در محاکم حق تقاضای صدور ورقه اجرائیه و تعقیب عملیات اجرائی و اخذ محکوم به را در صورتی خواهد داشت که در وکالت تصریح شده باشد.

**ماده ۶۲** - اگر موکل وکیل خود را معزول کند باید هم بوکیل هم بمحکمه اطلاع دهد عزل وکیل مانع از جریان محاکمه نخواهد بود اظهار شفاهی در عزل وکیل باید در صورت جلسه قید و با امضاء موکل برسد.

**ماده ۶۳** - مادام که عزل وکیل با اطلاع او نرسیده است اقدامات او در حدود وکالت و همچنین ابلاغاتی که از طرف محکمه بوکیل میشود مؤثر در حق موکل خواهد بود ولی همینکه اطلاع عزل وکیل بمحکمه رسید محکمه دیگر او را در امور راجعه بمحاکم وکیل نخواهد شناخت.

**ماده ۶۴** - در صورتیکه وکیل استعفاء خود را کتباً بمحکمه اطلاع دهد محکمه بموکل اخطار میکند که شخصاً یا بتوسط وکیل جدید محاکم را تعقیب نماید.

**ماده ۶۵** - وکیل که در وکالت نامه حق محاکم بالانتر هم باو داده شده و مجاز برای محاکم در محکمه بالانتر باشد و با حق تعیین وکیل مجاز برای محاکم در محکمه بالانتر داشته باشد هر گاه پس از صدور رای و یا در موقع ابلاغ استعفاء کند و از رؤیت امتناع نماید مؤثر در امر ابلاغ نیست و ابتداء مدت استیناف یا تمیز از روز ابلاغ بوکیل محسوب است و هر گاه از این حیث خسارتی بموکل وارد شود وکیل مسئول خواهد بود.

در مورد این ماده عرض حال استینافی و یا تمیزی وکیل مستعفی قبول میشود و مدیر دفتر محکمه مکلف است بموکل کتباً اخطار نماید که وکیل خود را معین و معرفی کند و اگر عرض حال ناقص باشد نقص آنرا رفع نماید.

**ماده ۶۶** - ابلاغ حکم بوکیلی که حق محاکم در محکمه بالانتر ندارد و با مجاز برای وکالت در مرحله بالانتر نباشد و وکالت در تعیین وکیل مجاز هم نداشته باشد معتبر نخواهد بود.

**ماده ۶۷** - در صورت فوت و یا در صورتیکه وکیل بجهت ممنوع الوکاله شود رسیدگی بدعوی توقیف میشود تا وقتیکه موکل وکیل جدید معین کند یا طرف مقابل اخطار او را از محکمه بخواند و هر گاه بعد از احضار طرف غایب در موعد مقرر حاضر نشود و وکیل جدیدی معین نکند محکمه به خواهش طرف رسیدگی را مداومت می دهد اگر وکیل بعد از ابلاغ حکم و قبل از انقضاء مدت استیناف یا تمیز فوت کند و یا ممنوع از وکالت شود ابتداء مدت اعتراض یا استیناف و تمیز از تاریخ ابلاغ بموکل محسوب خواهد شد. همین حکم جاری است در موردیکه وکیل توقیف شود یا بواسطه قوه قهریه ( فرس ماژور ) قادر بانجام وظیفه وکالت نباشد

## باب پنجم

## در ترتیب محاکمه

## فصل اول

## در عرض حال

**ماده ۶۸** - شروع رسیدگی در محاکم عدلیه محتاج بتقدیم عرض حال است.

**ماده ۶۹** - عرض حال باید بزبان فارسی و در روی اوراق چاپی مخصوصی نوشته شود مگر در محاکمه اوزاق مزبور

در دسترس عموم نباشد - در موارد اوزاری ممکن است عرض حال تلگرافی باشد.

در محاکم صلح ناحیه و همچنین نسبت بدعاوی که داخل در صلاحیت محاکم مزبور است و بواسطه بودن صلح ناحیه محکمه صلح محدود یا محاکم بدایت رسیدگی مینمایند ممکن است عرضحال شفاهی باشد.

ماده ۷۰ - در عرضحال باید نکات ذیل قید شود.

- ۱ - اسم و اقامتگاه و سایر مشخصات مدعی و وکیل او در صورتیکه عرضحال را وکیل داده باشد.
- ۲ - اسم و اقامتگاه و سایر مشخصات مدعی علیه.
- ۳ - تعیین مدعی به و قیمت آن مگر آنکه تعیین قیمت ممکن نبوده و یا مدعی به مالی نباشد.
- ۴ - تعهدات باجهات دیگریکه بموجب آن مدعی خود را مستحق مطالبه میدانند بطوریکه مقصود واضح و روشن باشد.
- ۵ - آنچه را که مدعی از محکمه تقاضا دارد.
- ۶ - ذکر تمام ادله و وسایلی که مدعی برای اثبات ادعای خود دارد از اسناد و نوشتهجات و اطلاع مطلعین و غیره. ادله مثبته باید به ترتیب و واضح نوشته شود و اگر دلیل شهادت شهود است مدعی باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را بطور صریح معین کند.

### ضمائم عرضحال

ماده ۷۱ - مدعی باید سواد اسنادی را که با آنها استناد کرده مصدق نموده ضمیمه عرضحال کند مقصود از سواد مصدق سوادى است که دفتر محکمه‌ای که عرضحال به آنجا داده میشود یا دفتر یکی از محاکم دیگر یا یکی از ادارات حیت اسناد یا دفتر اسناد رسمی و در جائی که هیچیک از آنها نباشد محاکم محل یا یکی از ادارات دولتی مطابق آنرا با اصل تصدیق کرده باشد.

در صورتیکه سواد سند در خارجه تهیه شده باشد باید در دفتر یکی از سفارت خانها یا قنصلگری های ایران مصدق شود. هرگاه اسناد مفصل باشد مثل دفتر تجارتنی یا اساسنامه شرکت و امثال آن قسمت هائیکه مدرک ادعا است خارج تقویس شده ضمیمه عرضحال دیگر دد.

ماده ۷۲ - در صورتیکه اسناد بزبان فارسی نباشد باید علاوه بر سواد سند ترجمه آن نیز ضمیمه عرضحال شده حاضرند سند صحت ترجمه آنرا تصدیق کنند. و اگر سواد سند مصدق نباشد باید مطابقت آنرا با اصل نیز تصدیق کنند.

ماده ۷۳ - اگر عرضحال توسط وکیل داده شده باید وکالت نامه وکیل و در صورتیکه عرضحال را قیم داده باشد سواد مصدق قیم نامه و بطور کلی سواد سندی که مثبت سمت عرضحال دهنده است نیز باید ضمیمه عرضحال شود.

ماده ۷۴ - عرضحال و کلیه اوراق ضمیمه آن باید در دو نسخه و در صورت تعدد مدعی علیهم بدهد مدعی علیهم بملامه يك نسخه باشد.

ماده ۷۵ - تاریخ تقدیم عرضحال باید شمسی و با تمام حروف نوشته شود و عرضحال دهنده ذیل آنرا امضاء کند و در صورت عجز از امضاء مهر یا اثر انگشت خود را بگذارد و شخص دیگری مهر یا اثر انگشت او را تصدیق کند.

ماده ۷۶ - دعاوی متعدده را که منشاء و مبنای آن مختلف است نمیتوان بموجب يك عرضحال اقامه نمود مگر آنکه دعاوی مزبوره طوری مربوط باشد که محکمه بتواند به تمام آنها در ضمن يك محاکمه رسیدگی کند.

ماده ۷۷ - عرضحال بدفتر محکمه صلاحیت دارد داده میشود و در تقاضای محکمه دارای شعب متعدد است بدفتر شعبه اولی.

ماده ۷۸ - مدیر دفتر محکمه بلافاصله پس از وصول عرضحال باید آنرا ثبت کرده رسیدی مشتمل بر اسم مدعی و مدعی علیه و تاریخ تسلیم روز و ماه و سال بنا ذکر نموده ثبت بتقدیم کننده عرضحال بدهد و در روی

کلیه اوراق عرضحال تاریخ تسلیم را قید کنند تاریخ وصول عرضحال بدفتر تاریخ اقامه دعوی محسوب میشود ماده ۷۹ - هرگاه محکمه دارای يك یا چند شعبه باشد مدیر دفتر باید فوراً عرضحال را بنظر رئیس اول برساند تا رئیس مزبور آنرا بیکى از شعب ارجاع نماید.

### موارد رد عرضحال

ماده ۸۰ - در موارد ذیل در ظرف دوازده روز از تاریخ وصول عرضحال مدیر دفتر آنرا بنظر حاکم محکمه رسانده و بموجب قرار محکمه که منتهی در ظرف دو روز باید صادر شود عرضحال رد خواهد شد.

- ۱ - وقتیکه در عرضحال معین نشده باشد مدعی کیست.
  - ۲ - وقتی که محل اقامت مدعی بهیچوجه معلوم نباشد.
- در موارد فوق محکمه قرار رد عرضحال را داده سواد این قرار را که باید حاوی علت رد باشد مدیر دفتر در دفتر محکمه بدیوار الصاق میکنند و در مدت ده روز سواد مزبور باید بدیوار محکمه باقی باشد.

### موارد توقیف عرضحال

ماده ۸۱ - در موارد ذیل عرضحال قبول ولی برای اینکه بجزریان اقتد باید تکمیل شود.

۱ - در صورتیکه به عرضحال و ضمائم آن مطابق قانون نمبر الصاق نشده و یا در نقاطی که نمبر موجود نیست مخارج مزبور تادیه نشده باشد.

۲ - وقتی که فقرات ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ ماده ۷۰ و مقررات مواد ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ رعایت نشده باشد.

ماده ۸۲ - در موارد فوق مدیر دفتر محکمه در ظرف دو روز نقائص عرضحال را بطور تفصیل بمدعی کتباً اطلاع داده و از روز ابلاغ پنجروز با رعایت مدت مسافت باو مهلت میدهد که نقائص را رفع کند و در صورتیکه در موعده رفع ننمود محکمه قرار رد عرضحال را میدهد - این قرار بمدعی ابلاغ شده مشار الیه میتواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ از آن استیناف بخواهد.

### فصل دوم

#### تقویم مدعی به

ماده ۸۳ - قیمت مدعی به از نقطه نظر صلاحیت و مخارج محاکمه مبلغی است که در عرضحال قید شود.

ماده ۸۴ - تقویم مدعی به بطریق ذیل بعمل میاید:

- ۱ - اگر مدعی به وجه باشد قیمت آن عبارت است از مبلغ معین در عرضحال.
  - ۲ - در دعاوی چند نفر مدعی که هر يك يك قسمت از کل را مطالبه می نمایند قیمت مدعی به مساوی است با حاصل جمع تمام قسمت هائی که مطالبه می شود.
  - ۳ - در دعاوی راجعه بمنافع و حقوقی که باید بمواعید معینه استیفاء و یا پرداخته شود قیمت مدعی به حاصل جمع تمام اقساط و منافی است که مدعی خود را ذبحق در مطالبه آن میداند.
- در صورتی که حق مزبور محدود بزمان معین نبوده یا مادام العمر باشد قیمت مدعی به مساوی است با حاصل جمع منافع ده ساله یا آنچه را که در ظرف ده سال باید استیفاء کند.

۴ - در دعاوی راجعه باموال غیر وجه و حقوقی مالی قیمت مدعی به مبلغی است که دهنده در عرضحال معین